

خامی و پختگی

این رشته می‌گذرد و می‌توان ادعا کرد که این رشته در ایران مرحله جنینی و کودکی را پشت سر گذاشته و به دوران پختگی و بلوغ نزدیک می‌شود که گفته‌اند چهل سالگی سن تدبیر و خرد است. سال‌ها تجربه مترکم و متبلور در کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، وجود گروه‌های آموزشی، و فارغ‌التحصیلانی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترا از علائم نزدیکی این بلوغ است. میزان تولید علم در قالب مقالات پژوهشی و نشر کتاب و پیدایش و پویایی سایت‌ها و وبلاگ‌های فردی و گروهی و برگزاری روزافزون کارگاه‌ها و میزگردها و کنفرانس‌ها در این رشته به نسبت تعداد شاغلان و فارغ‌التحصیلان خود مؤید همین معناست. رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی از نادر رشته‌هایی است که در ایران با همت دانش‌آموختگانش دایرةالمعارف و اصطلاحنامه‌های ویژه رشته خود را، در زمانی کمتر از چهل سال از آغاز آموزش رسمی‌اش، پدید آورده است.

وقتی در سال ۱۳۱۷ شورای عالی فرهنگ آن روزگار آیین‌نامه دوره موقت (کوتاه‌مدت) کتابداری را تصویب کرد، کسی فکر نمی‌کرد که به فاصله کوتاهی، با آغاز جنگ دوم جهانی، فعالیت‌های آموزشی رو به افول گذارد و مردم بیشتر به فکر نان و آب خود باشند. اما جنگ هم چون دیگر پدیده‌های انسانی ماندگار نماند و دوباره فعالیت‌ها آغاز شد.

پس از آن، ۲۸ سال طول کشید تا ضرورت‌ها و تلاش‌ها باعث شوند که اولین دوره کارشناسی ارشد کتابداری در ایران، در سال ۱۳۴۵، رسماً کار خود را آغاز کند. دو سال بعد، آغاز به کار مرکز خدمات کتابداری، موجب شد تا نظرات نوین و دروس نظری، زمینه اجرایی یابند و جامعه علمی عملاً دستاوردهای رشته را لمس کند. این تحولات موجب شد کتابداری ایران مراحل جنینی و خامی را پشت سر بگذارد و رشد خود را آغاز کند.

اکنون حدود ۴۰ سال از تولد آکادمیک

این عبور از خامی به پختگی به قول مولانا ارزان حاصل نیامده و نمی‌آید و تحمل و تلاش و لطافت می‌طلبد:

چنان چون میوه‌های خام از آن پخته شود شیرین که گاهش تاب خورشید است و گاهش طره شامی ز رنج عام و لطف خاص حکمت‌ها شود پیدا که تا صافی شود دردی که تا خاصه شود عامی

نشان این عبور از کودکی و ورود به دوران بلوغ و پختگی را باید در میزان نگرش پژوهشگرانه به مسائل و تعمیق در واکاوی‌ها و بررسی‌ها دانست. حال آنکه، داشتن نگاهی دایرةالمعارفی به مسائل و مشکلات و متون رشته می‌تواند نشانه تثبیت در دوره کودکی باشد. هنوز در بسیاری از مقالاتی که برای کنفرانس‌های تخصصی و ویژه‌نامه‌های علمی - پژوهشی ارسال می‌شود و حتی در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا کاستی عدم تعمیق آشکارا دیده می‌شود.

بارها شاهد بوده‌ایم برای کنفرانسی با موضوعی کاملاً تخصصی ده‌ها مقاله ارسال شده که متأسفانه در بیشتر آنها، به جای ریز

شدن و تعمق در مسئله، نگاهی سطحی و کلی حاکم بوده و صرفاً به تعریف و توضیح بسنده کرده‌اند. بسیاری از این مقالات و نوشته‌ها با آنکه عناوین جاذب و مدرنی دارند، اما به شدت دچار سطح‌گرایی و فرم‌زدگی و کلی‌گویی هستند. وقتی در بعضی مراجع تصمیم‌گیر علمی، مناط پذیرش مقاله برای گرفتن امتیاز وجود جدول در مقاله! اعلام می‌شود بدیهی است بر میزان این کاستی افزوده خواهد شد.

شواهد و امارات بیانگر این واقعیت هستند که این رشته در ایران به مرحله پختگی بسیار نزدیک شده و در حال پوست انداختن است. بر رهروان این مسیر است که با تلاش و سخت‌کوشی و یا به قول حافظ با چستی و چالاک‌ی این عبور را تسهیل کنند و با استفاده از امکانات و استعداد‌های گرانسنگ، این جامعه علمی را از ماندن در خامی، که نوعی ناسپاسی و کفر است، برهانند:

در مذهب طریقت خامی نشان کفر است
آری طریق دولت چالاک‌ی است و چستی

فریبرز خسروی